



تأملی جامعه‌شناختی بر کاربست هندسه اجتماعی در پرونده زندانیان محکوم مالی؛ مطالعه‌ای کیفی در پرتو حقوق عامه

حمید نادری،* جواد اقدس طینت**

چکیده

مناسبات اقتصادی-اجتماعی بین افراد جامعه می‌تواند ایجادکننده دین باشد و در برخی موارد منجر به دعوای حقوقی و محکومیت مدیون مستنکف از پرداخت دین گردد. نظریه «هندسه اجتماعی حقوق» توجه به ساختار اجتماعی پرونده را برای زندانیان محکوم مالی ضروری می‌داند. درواقع، فرایند قضائی یک پرونده مالی از شروع تا انتها وابسته به مناسبات اجتماعی بین کنش‌گران پرونده بوده و توجه به این مناسبات یکی از ضرورت‌های اصلی دادرسی پرونده و مقبولیت رأی نهایی و سرانجام منطقی‌سازی فرایند اجرای حکم است. بنابراین، توجه به هندسه اجتماعی پرونده مالی که متضمن حقوقی ارفاقی برای محکومان مالی است در حال حاضر چندان مورد توجه فرایند رسمی رسیدگی قضائی نبوده و می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق عامه در فرایند دادرسی محسوب شود. این مطالعه با تمرکز بر واکاوی هندسه اجتماعی و ساختار پرونده محکومان مالی با رویکرد جامعه‌شناختی و در پرتو احیای حقوق عامه و به روش کیفی به شیوه تحلیل مضمون با مشارکت ۱۳ نفر از زندانیان محکوم مالی و با نمونه‌گیری هدفمند در زندان کچویی فردیس کرج در سال ۱۴۰۴ انجام گرفته است. نتایج میدان‌کاوی زیست‌جهان زندانیان محکوم مالی نشان داد پرکتیس‌های اجتماعی هرکدام زندانیان محکوم مالی در ارتباط با وضعیت اقتصادی جامعه، شرایط اجتماعی و فرهنگی و وضعیت اخلاق در جامعه ایرانی و به‌طور خاص بین اصحاب دعوی (محکوم‌له و محکوم‌علیه) در هندسه اجتماعی مبتنی

*. استادیار، گروه آینده‌پژوهی قضایی، پژوهشکده قوه قضائیه، تهران، ایران. نویسنده مسئول h.naderi@jri.ac.ir

**. استادیار، گروه آینده‌پژوهی قضایی، پژوهشکده قوه قضائیه، تهران، ایران

jaqdashinat@jri.ac.ir

بر علقه اجتماعی اصحاب دعوی شکل گرفته است و همین امر یکی از چالش‌های نفع عمومی جامعه و امنیت روانی و به‌طور کلی حقوق عامه تلقی می‌شود. توصیه‌های سیاستی از نظرگاه جامعه‌شناختی و در راستای احیای حقوق عامه و نظم‌بخشی به فضای امنیت روانی جامعه مستلزم این امر است که عرصه سیاست‌گذاری قوه قضائیه در حوزه کنش‌گری قضات و نسبت تصمیمات قضائی در پرونده‌های زندانیان محکوم مالی با لحاظ ساختار اجتماعی پرونده و هندسه اجتماعی آن تنظیم شود تا گذار به رویکرد حل مسئله در بین آن‌ها در جهت تحقق آرامش عمومی و انتفاع اجتماعی محقق شود.

واژگان کلیدی: محکومان مالی، جامعه‌شناسی پرونده، امنیت روانی، هندسه اجتماعی پرونده زندانیان محکوم مالی.



مقدمه

این دکترین در ادبیات حقوقی سابقه طولانی دارد که قانون باید دارای مشخصه‌ها و ضوابط عمومی و همگانی بوده و برای تمام پرونده‌های مشابه (براساس تقسیم‌بندی قبلی حقوقی) یکسان و یکنواخت باشد. اما براساس نظریه «هندسه اجتماعی حقوق»^۱، حقوق نباید صرفاً ابزار خشک و بی‌روح کنترل اجتماعی باشد و در عمل نیز برخلاف ادعای مطرح‌شده در خصوص یکنواختی قانون، میزان اعمال و سبک اعمال قانون (چگونگی پاسخ) را مداخله‌گران (افراد حقیقی و حقوقی مؤثر در پرونده شامل شاکی، متهم، خوانده، خواهان، قاضی، وکیل، ضابط، شاهد، کارشناس، کارمند قضائی و ...) به‌عنوان کنش‌گران اجتماعی و کاملاً متأثر از بافت و ساخت اجتماعی تعیین می‌نمایند. اصل عام و کلی‌بودن قاعده حقوقی به مثابه قواعد ثابت و کلی حقوق، تبلور واقعی در اجرا نداشته و «تبعیض مثبت و منصفانه» درخصوص این قواعد در عالم واقع و عملیات قضائی ضروری است. براین اساس ویژگی اصلی حقوق، نسبت آن در پرتو بافت و هندسه اجتماعی متغیر هر موضوع/واقعه خواهد بود (امینی، ۱۴۰۴). آمارها نشان می‌دهد که محکومیت‌های مالی به‌طور مداوم یکی از سه یا چهار علت اصلی ورود افراد به زندان‌ها بوده و در سال‌های اخیر با رشد بیش از ۱۰۰ درصد به یک مسئله ملی تبدیل شده است به‌گونه‌ای که در حال حاضر با بحران حبس بدهکاران مالی و تبعات و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط مواجه هستیم (متین‌راسخ و همکاران، ۱۴۰۴: ۶). براین اساس توجه به ساختار اجتماعی پرونده^۲ و دکترین هندسه اجتماعی و فرهنگی پرونده در زندانیان محکوم مالی ضروری است. فرایند قضائی یک پرونده مالی از شروع تا انتها وابسته به مناسبات اجتماعی بین کنش‌گران پرونده شامل قضات، وکلا، بدهکاران و طلبکاران، شهود، مأموران قضائی و حقوقی بوده و توجه به این مناسبات یکی از ضرورت‌های اصلی دادرسی پرونده و مقبولیت رأی نهایی و سرانجام منطقی‌سازی فرایند اجرای حکم خواهد بود؛ چراکه در منطق جامعه‌شناختی، رفتار قانونی و قضائی در یک پرونده قضائی مطابق واقعیات و حقایق موجود و به نوعی متناسب با موقعیت اجتماعی طرفین پرونده/اصحاب دعوی و مسیر اجتماعی آن (علیه چه شخصی و کدام طبقه) تغییر^۳ می‌کند بر همین اساس، محصول

1. Social geometry of law

۲. هر پرونده قضائی در یک فضای اجتماعی واقع شده و در فضای بسترمند (Contextualized)، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، لذا پرونده قضائی در محاکم واجد موقعیت و مسیر اجتماعی مشخصی است که طرفین پرونده، بسته به موضوع آن، متأثر از فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه هستند.

۳. تغییر از این نظر که برخی متهم‌ها و خوانده‌ها شکست می‌خورند، برخی دیگر برنده می‌شوند؛ مجازات‌ها یا جبران خسارت‌ها و یا ضمانت‌های اجرای مدنی تحمیلی از پرونده‌ای به پرونده دیگر متغیر بوده و یا برخی

نهایی رأی دادگاه، چیزی جز بازتاب واقعیات روزمره حیات اجتماعی و فردی هر کدام از عناصر اجتماعی نیست (Black, 1989). شواهدی وجود دارد که نشان‌دهنده عدم توجه به این هندسه اجتماعی و اعمال قواعد خشک و شکلی حقوقی و قضائی به‌ویژه در پرونده‌های مالی بوده و نتیجه آن افزایش جمعیت زندانیان ناشی از محکومیت مالی و تحمیل تبعات فراوان اجتماعی و اقتصادی به کشور و خانواده‌ها بوده است. نتیجه این فرایند یعنی افزایش جمعیت زندانیان مالی همواره به‌عنوان یک معضل و آسیب مورد توجه مقامات قضائی و اسنادبالادستی نظام قضائی بوده اما ساختار عملیاتی و دکترینی که با نقض حقوق متهمان مالی در یک فرایند غیرکارآمد قادر به تفکیک بدهکاران واقعی از بدهکاران صوری^۱ و یا معسر نیست و اصلاح آن در جهت «حل مسئله» کمتر مورد توجه بوده است. قواعد مورد قبول بین‌المللی و همچنین قواعد دینی و اسلامی درخصوص عدم زندانی کردن مدیون معسر بسیار واضح و محکم بوده و عدم حبس بدهکار ناتوان از پرداخت بدهی جزو حقوق افراد محسوب می‌شود اما درحال حاضر شدت ناکارآمدی نظام حقوقی، ضعف فرایندهای قضائی و عدم امکان دفاع زندانیان محکوم مالی از حقوق خود وضعیتی را به وجود آورده که می‌توان «لزوم توجه به هندسه اجتماعی بدهکاری» را به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق عامه پیشنهاد نمود تا رسیدگی به پرونده‌های مالی در نزد اکثریت احاد جامعه، امری مطلوب و مورد انتظار بوده و ساختاری مبتنی بر خیر عمومی و در راستای حقوق عامه داشته باشد. توجه و تأکید مقامات قضائی درخصوص لزوم کاهش حبس محکومان مالی شاهدهی بر این ادعاست که نظم حقوقی و ساختار فعلی رسیدگی به پرونده‌های مالی تأمین‌کننده حقوق تمام طرفین دعوا نبوده و نیازمند اصلاح و بازنگری جدی است.

محکومیت مالی صادره در پرونده کیفری ناشی از ارتکاب فعل مجرمانه، منجر به پرداخت جزای نقدی (جریمه) و یا جبران ضرر و زیان ناشی از جرم (اعم از دیه، رد مال، جبران ضرر ناشی از جرم و غیره) می‌شود و محکومیت مالی صادره در پرونده حقوقی که ناشی از مسئولیت مدنی (قراردادی یا قهری) است منجر به تأدیه و یا استیفای مال موضوع بدهی می‌شود. در همین راستا، یکی از مهم‌ترین مسائل آیین دادرسی مدنی و کیفری، مسئله اجرای احکام و مقررات خاص آن حوزه می‌باشد (آذربایجانی و فروزان بروجنی، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۳). ولی چالش‌های ناشی از روند عملیات اجرایی احکام مالی، در ربط با موضوع پرونده از نظر ماهیتی و شکلی و کنش‌گران دخیل در آن به گونه‌ای بوده است که وضعیت اقتصادی جامعه در شرایط شکل‌گیری پرونده (گرایش به رویکرد برد-برد در وضعیت

محکوم‌علیه‌ها تجدیدنظر خواهی می‌کنند و برخی نه.

۱. بدهکارانی که صرفاً طبق اسناد مالی مانند چک و سفته بدهکار هستند اما این بدهی واقعی نیست.

نوسانات ارزی و تورم کشور و متأثر از شرایط اقتصادی جامعه، از زمینه‌های بروز ناامنی در روابط اجتماعی، اختلال در مناسبات اقتصادی و رواج بی‌اعتمادی و بالارفتن ریسک معاملات و به‌طور خاص بین اصحاب دعوی (محکوم‌له و محکوم‌علیه) شده است)، شرایط اجتماعی (از نظر کیفیت اخلاقی شامل میزان تمایل افراد جامعه به انجام تعهدات فی‌مابین و عدم فرار از دین، وضعیت تمایل به وفای به عهد و ضمانت‌اجراهای اجتماعی و فرهنگی عمل به وعده‌ها و قول‌وقرارها در زمان معین، اعتماد بیناشخصی و عمومی افراد جامعه، سطح قانون‌گرایی و قانون‌گریزی افراد، وضعیت گرایش افراد جامعه به حيله‌گری، تقلب و کلاهبرداری، امکانات قانونی و قضائی بستر ساز سوءاستفاده از حق دادخواهی بین افراد جامعه، وجود اهرم‌های اجتماعی متنوع بین مردم به‌صورت زیرکی، باهوشی، پارتی‌بازی و نگاه حرفه‌ای در جهت دورزدن قوانین و طولانی‌ترکردن زمان ادای دین) در شکل‌دهی به مقوله محکومیت مالی و محکومان این حوزه و سرانجام مسئله‌مندکردن احیای حقوق عامه و گسترش عدل مطابق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی در سطح جامعه نقش اثرگذار داشته‌اند.

با عنایت به اینکه، اجرای رأی به‌عنوان غایت و هدف نهایی دادرسی در مناسبات شکل‌گرفته قضائی بین محکوم‌له و محکوم‌علیه، با چالش‌های مبتنی بر ساختار اجتماعی پرونده قضائی از نظر سویه‌های دیگر دادرسی و طرح دعوی نظیر اعسار و تقسیط بدهی از ناحیه محکوم‌علیه روبه‌رو است، با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و بالأخص اجتماعی (از نظر ضمانت اجراهای اجتماعی و فرهنگی)، رفتارهایی پنهان از دیدگان قانون و فرایند دادرسی با خصلت اخلاقی منفی حيله‌های دادرسی و زیرسؤال‌بردن حق بر سلامت دادرسی، برای کنش‌گران این حوزه گریز از اجرای تعهد با استفاده از روش‌های به‌ظاهر قانونی به سهولت فراهم است (اکرمی و حاتمی، ۱۳۹۹: ۵۹؛ اکرمی و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۳). چنین کردارهایی در به زیرسؤال‌بردن حقوق عامه و مبدل‌شدن چنین رفتارهایی در معاملات اقتصادی و مالی، و رای حقوق افراد مهم بوده و یکی از چالش‌های اصلی سازکارهای حفظ حقوق عمومی و تنش‌های ناشی از آن در بین آحاد جامعه و آرامش عمومی محسوب می‌شود.

در جامعه‌ای که وقتی شخصی، دین را بر ذمه خود می‌پذیرد تا بر زمان و نحوه پرداخت و منبع پرداخت آن نیز نظر داشته است و با علم به توان پرداخت خود، آن را بر ذمه گرفته است (اکرمی و حاتمی، ۱۳۹۹: ۶۳) عدم وفای به عهد، نقض تعهد در ادای دین، فقدان شفافیت مالی در سطوح مختلف کلان کشور، بین نهادهای اجرایی و عمومی و نیز در مناسبات بین افراد جامعه، هوشمندنبودن سازکارهای شناسایی وضعیت تمکن مالی افراد، نبود معیار مناسب ضربی برای شناسایی فرد مفلس، معسر و شاخص اعسار، شرایط فرهنگی جامعه با هدف معامله به قصد فرار از دین و یا تعلل در ادای دین، هندسه فرهنگی کشور از نظر دستیابی به توافق بین طرفین پرونده، ضعف‌های سازش‌گری و دیگر

موارد مرتبط با محکومیت مالی باعث شده است تا به جای اتخاذ راهبرد جامعه‌شناسی پرونده محکومان مالی، از شایع‌ترین مجازات زرادخانه‌های کیفری نظام‌های حقوقی اغلب کشورها یعنی مجازات سالب آزادی^۱ استفاده شود که بعد از مجازات سلب حیات، جزو شدیدترین مجازات‌ها محسوب می‌شود.

حبس به عنوان ضمانت اجرای برخی از موضوعات حقوقی نظیر مراودات مالی بین داین و مدیون در سیستم دادرسی و اجرای احکام محاکم در بسیاری از کشورها از دیرباز به کار گرفته شده است. البته قانونگذار، ضمانت‌اجراهایی همچون توقیف اموال بدهکار و مزایده و فروش آن و وصول طلب طلبکار و نیز توقیف و بازداشت محکوم علیه با هدف سیاست زندان‌زدایی در خصوص بدهکاران در نظر داشته و آن را اِعمال می‌نماید (معدنی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۴).

هزینه‌های ناشی از محکومیت، بدهی‌ها و تعهدات قانونی روی حیات اجتماعی محکومان مالی به صورت محرومیت مادی، انزوای اجتماعی در جامعه، چالش‌های ادغام مجدد در جامعه و در برقراری ارتباط با افراد جامعه، فروکش کردن دستاوردهای آموزش محور عدالت ترمیمی، ایجاد مانع در تحرک شغلی و پیشرفت‌های اجتماعی، ایجاد محدودیت در ثبات اقتصادی فردی و تهدید مردانگی و مرد خانواده‌بودن در مناسبات خانوادگی و روابط اجتماعی که دارای ابعاد پیامدی برای تحکیم روابط صمیمانه با شریک زندگی می‌شود در کنار انباشتگی ناشی از هزینه‌های دادرسی، جبران خسارت و جریمه‌ها (با عنوان تعهدات مالی قانونی^۲ تحت عنوان هزینه‌هایی است که ناشی از محکومیت کیفری افراد ایجاد می‌شود) و آسیب دیدن عزت نفس و بروز ناتوانی در پذیرش نقش‌های جدید در جامعه از پارامترهای مرتبط با هندسه اجتماعی و فرهنگی پرونده‌های محکومان مالی می‌باشد (Pleggenkuhle, 2018: 18-20).

توجه به شرایط و هندسه اجتماعی پرونده زندانیان محکوم مالی می‌تواند حبس بسیاری از این محکومان را منتفی سازد. چنانچه پرونده بسیاری از این زندانیان به شکل کیفی و عمیق و فراتر از قواعد و فرایندهای خشک دادرسی فعلی بررسی گردد ممکن است منصفانه‌بودن حبس ایشان محل تردید واقع گردد. به عبارت دیگر نظام حقوقی و قضائی قادر به حل مسئله به شکل منصفانه نبوده و توجه به هندسه اجتماعی پرونده و شرایط ایجاد و پرداخت دین نداشته و صرفاً قواعد شکلی پرداخت را به شکلی خشک و بی‌روح مدنظر قرار داده و ورودی به جزئیات کیفی پرونده ندارد. نتیجه این رویکرد

۱. نوع‌شناسی محکومان مالی در حبس می‌تواند شامل این افراد باشد: ۱- محکومان به تحمل حبس، ۲- محکومان به

پرداخت دیه یا ارش، ۳- محکومان به رد مال، ۴- محکومان به پرداخت خسارت یا غرامت، ۵- محکومان به پرداخت

وجه و خسارت تأخیر تأدیه، ۶- ناتوانان از اجرای قرار تأمین کیفری و ۷- عاجزین از پرداخت جزای نقدی.

2. Legal financial obligations (LFOs)

افزایش شدید جمعیت زندانیان محکومیت مالی و تحمیل تبعات گسترده فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی به کشور ناشی از افراط در حبس نیروی کار فعال و خانواده‌دار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش زیادی از زندانیان محکوم مالی قربانی عملکرد ضعیف نظام حقوقی و قضائی و سوءاستفاده طرف دیگر پرونده از قواعد شکلی نظام دادرسی است؛ به‌عنوان مثال دقیق‌شدن در جزئیات بسیاری از این پرونده‌ها نشان می‌دهد که بدهی منجر به حبس ناشی از نزول و ربا بوده اما به دلیل رعایت ظواهر حقوقی توسط فرد رباخوار و ترکیب آن با بی‌توجهی نظام قضائی به هندسه اجتماعی پرونده و شرایط ایجاد دین منجر به حبس غیرمنصفانه بدهکار می‌گردد. به‌عبارت دیگر در راستای نفع غیرقانونی فرد رباخوار به شکل ناخواسته هزینه‌های متعدد فردی و اجتماعی به کشور تحمیل می‌گردد. به‌نظر می‌رسد چنین فرایندهای غیرمنصفانه‌ای درخصوص حبس محکومان مالی پرتکرار بوده و عدم رعایت انصاف و عدالت و عدم توجیه اقتصادی این فرایند مورد تأکید مدیران قضائی بوده و ایشان به دنبال راه‌حل این مسئله هستند. باتوجه به اینکه زندانیان محکوم مالی قادر به دفاع از حقوق خود در برابر قواعد خشک و عملکرد شکلی حبس‌کننده ایشان نیستند چنانچه «توجه به هندسه اجتماعی پرونده‌های محکومیت مالی» به‌عنوان یکی از مصادیق حق عامه در نظر گرفته شود بستر حقوقی نهادینه و انگیزشی برای اصلاح وضع موجود فراهم خواهد شد. براین اساس و در راستای کارویژه‌های مصرح در اصل ۱۵۶ قانون اساسی درخصوص پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، برقراری عدالت، رسیدگی به تظلمات و احیای حقوق عامه و با هدف استقرار نفع عمومی و فردی و سالم‌سازی جامعه به لحاظ برقراری فضای مطمئن برای مراودات مالی و تضمین امنیت اقتصادی، امنیت در درآمد و بازار کار، واکاوی ساختار اجتماعی پرونده محکومان مالی ضروری به‌نظر می‌رسد.

توجه به هندسه اجتماعی پرونده برای تمام محکومین^۱ ضروری است اما در ادامه با تمرکز بر زندانیان محکوم مالی و با مراجعه به ساختار و هندسه اجتماعی پرونده محکومان مالی، با لنز

۱. انواع محکومین شامل:

- (۱) محکومین به حبس کیفری ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری؛
- (۲) محکومین به مجازات‌های سالب حیات موضوع ۵۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری؛
- (۳) محکومین به جزای نقدی که عاجز از پرداخت هستند حداکثر به مدت سه سال (ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری)؛
- (۴) محکومین مالی که از پرداخت محکوم به امتناع می‌نمایند (ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی)؛
- (۵) محکومین به جزای نقدی سازمان تعزیرات حکومتی که عاجز از پرداخت هستند به مدت حداکثر ۱۵ سال (ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مواد ۲۷ و ۲۸ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی) (فرهادی و دیگران، ۱۴۰۲).

جامعه‌شناختی و اتخاذ رویکرد تحلیلی، به بایسته‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مسئله محکومان مالی و مدیریت جمعیت محبوسین ناشی از محکومیت‌های مالی در ساختار اجتماعی پرونده در پرتو احیای حقوق عامه و سالم‌سازی جامعه از نظر ایجاد فضای امن برای فعالیت‌های اقتصادی و مالی و ارتقای سرمایه اجتماعی در این عرصه خواهیم پرداخت.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۱. جامعه‌شناسی پرونده در هندسه اجتماعی؛ دادخواهی به شیوه جامعه‌شناختی

ایده هندسه اجتماعی^۱ پرونده قضائی که در ابتدا توسط داندل بلک^۲ (۱۹۷۶) مطرح شد، فرض بر این دارد که با ثابت نگه‌داشتن رفتار اصحاب پرونده، نتایج پرونده با موقعیت و مسیر آن‌ها در فضای اجتماعی یا هندسه اجتماعی آن‌ها متفاوت است. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که چه زمانی احتمال دستگیری توسط پلیس، چه زمانی احتمال طرح اتهام توسط دادستان‌ها یا چه زمانی احتمال مجازات بیشتر برای یک پرونده در فضای هندسه اجتماعی وجود دارد. از طرفی، میزان قانون اعمال‌شده در یک پرونده خاص با فواصل اجتماعی ادراکی مانند میزان صمیمیت بین طرفین یا اینکه آیا پرونده‌ها شامل افراد برتر اجتماعی در برابر افراد فرودست است یا مناسبات افراد فرودست اجتماعی در برابر افراد فرادست در پرونده‌ها، بازنمودهای متفاوتی را نمایان می‌سازد. بلک در یکی از ادعاهای خود معتقد است با کاهش فواصل ارتباطی بین طرفین (غریبه‌بودن یا صمیمی بودن)، احتمال پاسخ‌تنبیهی قانون نیز کاهش می‌یابد. علاوه‌براین، احتمال بیشتری وجود دارد که قانون در مواردی که افراد فرودست اجتماعی علیه افراد فرادست اقدام می‌کنند، در مقایسه با موارد مرتبط با اقدامات افراد فرادست علیه افراد فرودست، واکنش تنبیهی نشان دهد. در نظرگاه بلک (۱۹۷۶) ابعاد اجتماعی زندگی در پنج حوزه مجزا شامل بُعد عمودی، سازمانی، هنجاری، فرهنگی و ریخت‌شناسی^۳ قابل پیگیری است که هر بُعد با قلمروهای اجتماعی جداگانه و معیارهای خاصی مشخص شده و با خصلت هم‌تایان اجتماعی^۴ شناخته شده و در چارچوب هندسه اجتماعی، مسائل مربوط به طبقه اجتماعی، تقسیم کار، شبکه‌های اجتماعی و حاشیه‌نشینی گنجانده شده است. به‌طور خاص، هندسه اجتماعی بررسی می‌کند که چگونه قانون کاربردی تحت تأثیر پنج پویایی اجتماعی قرار می‌گیرد [قانون متأثر از دینامیسم اجتماعی]: (۱) بُعد عمودی، که ثروت و توزیع آن را تشکیل می‌دهد. در این بُعد، هرچه سرمایه مالی فرد بیشتر باشد،

1. Social geometry

2. Donald Black

3. Vertical, organizational, normative, cultural and morphological

4. Social counterparts

جایگاه او در نردبان اجتماعی^۱ بالاتر است درواقع، آثار اکولوژی اجتماعی پول^۲ و ماهیت قدسی رفاه^۳ دارای زوایای مهمی در بستر قضائی است. ۲) بُعد سازمانی، بر میزان سازماندهی در یک نهاد و ارتباط فرد با آن نهاد تمرکز دارد؛ در این بُعد، ظرفیت اقدام جمعی در جهت دستیابی برنامه‌ریزی‌شده، هدفمند و هماهنگ به هدف برخلاف اقدام فردی مطابق کسب شهرت و جایگاه به واسطه داشتن ارتباط، معاشرت و وابستگی‌ها است. ۳) بُعد هنجاری، که بر وجود کنترل اجتماعی یا میزانی از کنترل ناشی از تنظیمات اجتماعی مبتنی بر خصلت‌های اجتماعی و رفتاری و نیز متأثر از اقتدار دیگران بودن (زنان، کودکان، سالمندان و معلولان) تمرکز دارد که افراد در گذشته تابع آن بوده‌اند و هستند. ۴) بُعد فرهنگی بر این مفهوم بنا شده است که ادغام اجتماعی به واسطه ارزش‌های مشترک، حمایت از افراد پایبند به هنجارهای اجتماعی و سرزنش افراد غیر پایبند و افراد واجد سرمایه فرهنگی والا مثلاً از نظر آموزش، مورد توجه است. و ۵) بُعد ریخت‌شناسی (افقی) که شامل ترتیب پیوندهای اجتماعی و رفتار ناشی از قانون می‌شود که توزیع افراد در رابطه با یکدیگر، از جمله تقسیم کار، شبکه‌های تعامل، صمیمیت و ادغام آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (Lally, 2014: 2-48).

از همین‌رو، واکاوی هندسه اجتماعی مطالعه‌ای در خصوص رفتار اجتماعی مستقل از توضیحات بیولوژیکی یا روان‌شناختی است که بلک (۱۹۷۶) آن را جامعه‌شناسی محض نیز می‌نامد. اینکه چگونه یک رخداد می‌تواند براساس موقعیت‌های اجتماعی طرفین دعوی، نگاه قانونی متفاوتی را به خود جلب کند. هندسه اجتماعی پیشنهاد می‌کند که با ثابت نگه داشتن اقدامات طرفین درگیر، پرونده‌ها با توجه به موقعیت خاصی که افراد در فضاها یا اجتماعی مربوطه خود دارند، به‌طور متفاوتی قضاوت می‌شوند (Ibid, 70).

پیوند بین هندسه اجتماعی پرونده محکومان مالی با امر عمومی حقوق و ماهیت ذاتی وظایف نظام قضائی در پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و از نظر پاسداری از حقوق مردم، رابطه‌ای در هم تنیده است؛ چراکه نابسامانی‌های اقتصادی و اقتضائات اجتماعی ناشی از ظهور و بروز نیازهای مشترک عامه جامعه در نظام‌مندسازی معاملات مالی و پولی، مراودات امن تجاری، ضمانت‌های اجرایی و قانونی اسناد تجاری در معاملات، نحوه ورود دادستانی به امور بانکی و پولی و دیگر سویه‌های کنش‌گری دستگاه قضائی در احیای حقوق عامه، یکی از جلوه‌های تداوم فعالیت اقتصادی، برقراری امنیت روانی فعالان اقتصادی و ایجاد آرامش در فضای کسب‌وکار و رونق تولید و تحکیم سرمایه اجتماعی برای رونق صنعت و تولید و به‌ویژه بازار محسوب می‌شود.

1. Social ladder

2. The social ecology of money

3. The sacrosanct nature of prosperity

جامعه‌شناسی پرونده قضائی^۱ با واکاوی ارزش‌های فرهنگی و افکار عمومی ناشی از نحوه اعمال قانون و نیز باورها و احساسات شخصی قضات در ارتباط با موضوع پرونده، ارتباط بین رأی صادره با منافع اقتصادی و مصالح عمومی و اجتماعی و چگونگی تصمیم‌گیری درخصوص پرونده‌های قضائی در صدد است با مراجعه به ساختار اجتماعی پرونده^۲ متناسب با تغییرپذیری کمیت قانونی که یک پرونده جذب می‌کند شامل هر نوع رفتار حقوقی به صورت تماس احتمالی با پلیس، ملاقات با یک وکیل، بازداشت، محکومیت، اقامه دعوی، پیروزی شاکی و غیره، سویه‌های متفاوتی از پرونده را نمایان سازد اینکه، رفتار قانون از یک پرونده به پرونده دیگر به چه شکلی بوده و می‌تواند باشد؟ رفتار قانون در ربط با موقعیت اجتماعی اشخاص درگیر در دعوا و مسیر اجتماعی آن، خصلت‌های اجتماعی و فرهنگی هر پرونده قضائی، مشخصه‌های اقامه‌کننده دعوی، ویژگی مقام رسیدگی‌کننده پرونده، کنش‌گران مختلف درگیر در پرونده (شاکی یا بزه‌دیده و متهم، و نیز حامیان طرفین یا یکی از آن‌ها شامل وکلا و شهود، و طرف سوم یا شخص ثالث شامل قاضی یا اعضای هیئت منصفه) از نشانگرهای مهم فضای اجتماعی و ابعاد مختلف آن در پرونده است. درواقع، ابعاد مختلف یک پرونده در قالب هندسه اجتماعی یک پرونده قضائی قابل نمایش است به تعبیری، یک پرونده قضائی شامل طرفین دعوا در کنار اشخاص ثالث درگیر در پرونده مانند پلیس، دادستان، شهود، قاضی و هیئت منصفه می‌باشد. از طرفی، جایگاه اثرگذار هندسه اجتماعی پرونده قضائی به نسبی بودن قانون و تغییرپذیری پرونده‌ها متناسب با ساختار اجتماعی مرتبط با آن است؛ به این مفهوم که، نسبیت قانون یا تأثیر ساختار اجتماعی پرونده قضائی بر فرایند رسیدگی، واجد آثار اخلاقی ناشی از وقوع دادرسی جامعه‌شناختی و اعمال آگاهانه نسبیت قانون در رویه حقوقی و قضائی می‌باشد (Black, 1989).

جدول (۱): دو مدل حقوقی (Black, 1989: 21)

مدل حقوق‌شناختی	مدل جامعه‌شناختی	
تمرکز	قوانین	ساختار اجتماعی
فرایند	منطق	رفتار
دامنه	جهان شمول/عام	متغیر
چشم‌انداز	مشارکت‌کننده	مشاهده‌گر/ناظر
مقصود	عملی	علمی
هدف	تصمیم	تبیین

مطابق جدول (۱)، مدل نوین حقوقی متفاوت از مدل سنتی حقوق‌شناختی، مدل جامعه‌شناختی

1. Sociology of the case
2. The Social Structure of a Case

است؛ به این مفهوم که، در مدل سنتی، به طور بنیادین حقوق در بستر قوانین معنا پیدا کرده و تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری روی پرونده‌ها مطابق یک یا چند قانون صورت می‌گیرد. ولی مدل جامعه‌شناختی حقوق، مستقیماً در راستای ساختار اجتماعی پرونده شکل می‌گیرد تا کنش‌گران درگیر در پرونده به همراه موقعیت اجتماعی آن‌ها مورد واریسی باشد. در واقع، گرامرها یا دستورالعمل‌های مرتبط با پرونده‌ها، در مدل حقوق‌شناختی به زبان قانون و در مدل جامعه‌شناختی به زبان ساختار اجتماعی پرونده مورد توجه است. در مدل حقوق‌شناختی، ساختار اجتماعی پرونده، اصلاً جایگاهی نداشته و هر پرونده به‌رغم وجود ویژگی‌های اجتماعی، با انحراف از قانون (انحراف دادرسی ناشی از انواع حیل و اهرم‌های فرهنگی مبتنی بر دورزدن قانون و دستکاری در فرایندهای قضائی)، در خلأ اجتماعی^۱ تحلیل و ارزیابی می‌شود. در مدل حقوق‌شناختی، قانون به‌منزله فرایندی منطقی لحاظ شده و واقعیات هر پرونده در پرتو قوانین کاربردی (ازنظر دامنه، عام و جهان‌شمول، به لحاظ تکنیکی، منطقی و با محوریت قانون در رویارویی با شواهد و مستندات پرونده و ازنظر چشم‌انداز، با مشارکت حقوق‌دانان و تصمیم‌گیری به‌صورت عملی) به‌رغم تفاوت وضعیت پرونده‌ای با پرونده دیگر ارزیابی می‌شوند. در حالی‌که در مدل جامعه‌شناختی، امر حقوقی متغیر است و متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، ماهیت پرونده‌ها در مقایسه باهم، متفاوت بوده و رویکرد واحدی در قبال پرونده‌ها، وجود ندارد (Black, 1989: 19-21).

از طرفی، کاربرست خودآگاهانه جامعه‌شناسی در پرکتیس (ورزه/شیوه عمل) حقوقی را تحت عنوان دادخواهی به شیوه جامعه‌شناختی^۲ یاد می‌کنند؛ شیوه‌ای که مطابق آن، غربالگری پرونده‌ها^۳ (با هدف انتخاب پرونده‌ها براساس ویژگی‌های اجتماعی)، هزینه‌های برنامه‌ریزی روی پرونده‌ها (هزینه‌های وکالت، هزینه‌های دادرسی و غیره)، سهام‌داران منتخب پرونده‌ها (افراد دخیل در پرونده)، تصمیم‌گیری درخصوص توافق خارج از دادگاه،^۴ زمینه‌سازی پرونده‌ها برای انجام دادرسی، انتخاب قضات و محل دادرسی صورت می‌گیرد (Ibid, 19-21).

با مراجعه به شکل (۱)، ساختار اجتماعی پرونده محکومان مالی در بسترهای اجتماعی و فرهنگی و مختصات جمعیت‌شناختی و ساختاربندی جامعه در زمان دادخواهی و تظلم‌خواهی، جریان دادرسی در دستگاه قضائی و نیز شرایط جامعه ازمنظر تقنینی، دارای ابعاد و سویه‌های متنوعی هستند که لحاظ‌نکردن هرکدام از این عوامل می‌تواند چالش‌ها و موانع پیش‌روی مدیریت جمعیت محبوسین محکومیت مالی را مضاعف سازد برهمین اساس، اهمیت و جایگاه هر کدام از موارد ذیل در ساختار

1. Social Vacuum
2. Sociological Litigation
3. Screening Cases
4. Out-of-court settlements

اجتماعی پرونده محکومان مالی امری حائز اهمیت است:



شکل (۱) ساختار اجتماعی پرونده محکومان مالی

- سازکارهای بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای ارفاقی نظیر محرومیت اجتماعی، ظرفیت نهادهای حمایتی در رفع مشکلات محکومین در حبس با کنش‌گری خیرین و نهادهای مردم‌پایه، نیروهای اجتماعی و فرهنگی سازش‌گر و صلح‌یار؛
- شرایط و اقتضانات جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و آثار آن در گرایش به جرم کلاهبرداری و نقض تعهد در ادای دین؛
- هوشمند نبودن فرایندی و ساختاری نحوه احراز تمکن مالی محکومان مالی و نبود معیارهای شناسایی افرادی نظیر فرد معسر؛
- نبود تعریف مشخص از سازکارهای تشویقی در رفع دعوی بین بدهکار و بستانکار و نحوه سازش‌گری بین آن‌ها؛
- نگرش قضات در مدیریت دعوی و نحوه دادرسی با اتخاذ رویکرد حل مسئله درخصوص مرخصی‌های محکوم مالی و ارتقای سطح حرمت به آرای صادره در نزد جامعه هدف؛

- مخاطره‌ساز بودن مناسبات بین افراد جامعه ناشی از فرسایش سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و ناامنی در معاملات و تبادلات اقتصادی؛
- نقش‌آفرینی کنش‌گرانی از سنخ وکلا و دیگرانی که زمینه‌ساز اقامه دعوی در دستگاه قضائی هستند در نقطه مقابل نگاه طلبکاران نسبت به موضوع دیون؛
- وجود رویکرد سلیقه‌ای به موضوع محکومان مالی و پراکنش نحوه صدور رأی و دادرسی آن در بین قضات مثلاً در خصوص موضوع اعسار؛
- سازکارهای حل موضوع مورد دعوی به‌طور ریشه‌ای و بنیادین و سرانجام رضایت طرفین پرونده؛
- چگونگی احراز صوری بودن معامله و پنهان‌کاری در روند دادرسی؛
- چالش‌های تقنینی و قضائی در رابطه با موضوع جایگاه و مرتبه اجتماعی محکومان مالی در جامعه و محله و در نزد خانواده؛
- سنخ‌شناسی محکومان مالی و نوع محکومیت مالی در کنار انواع خواهان و شرایط اقامه دعوی از جانب آن‌ها در جهت مدیریت جمعیت محبوسین و فرم‌دهی فرایندی-ساختاری به حل چالش‌ها و موانع مرتبط با محکومیت مالی؛
- تأثیر نظارت قضائی شکل‌محور که بستر اجرای رویکرد حل مسئله در نظام قضائی را فراهم نمی‌سازد و بیم و ترس مقام قضائی رسیدگی‌کننده به پرونده مالی از محکومیت‌های انتظامی ناشی از توجه به هندسه اجتماعی پرونده؛
- جایگاه و اهمیت نظریه کارشناسی در خصوص پوشش تمام مطالبات (قیمت مال متناسب با کل محکوم‌به و هزینه اجرایی)؛
- آثار رضایت خودخواسته طلبکار نسبت به پذیرش مالی غیر از طلب خود ناشی از معیار تکافو (نبود خریدار برای مال) با لحاظ نمودن امر تحمیلی ناروا بر صاحب حق ناشی از مداخله محکوم‌علیه.

۲-۱. مناسبات کنش‌گران در هندسه اجتماعی پرونده محکومیت مالی در دانش انباشته

هندسه اجتماعی پرونده محکومان مالی با رویکرد جامعه‌شناختی نشان از مناسباتی دارد که افراد درگیر در پرونده‌های محکومیت‌های مالی منجر به بازداشت، دارای علقه‌های اجتماعی نسبی و سببی و پیوندهای خانوادگی بوده و بعضاً با نگاه حسابگرانه، کنشی عقلانی در تمایل به عدم ادای دین و وفای به عهد و سوءاستفاده هدفمند بدهکاران با مراجعه به حیل‌های دادرسی به‌واسطه دعوی اعسار از محکوم‌به و گریز از اجرای تعهد با اثبات اعسار و تقسیط بدهی داشته‌اند. پرداخت به برخی از دانش انباشته در خصوص مسئله محکومیت مالی کمک می‌کند تا زوایای مختلف مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با مسئله از نظر آثار و ویژگی‌های خاص هر یک از پژوهش‌ها و طرح‌های مداخله‌ای انجام شده بر نتایج استحصالی مورد واریسی باشد.

جدول (۲): مناسبات کنش گران در هندسه اجتماعی پرونده محکومیت مالی در دانش انباشته

ردیف	پراگماتیک	پرتکلیف ها	مفاهیم کلیدی	چالش های فرایندی ساختاری	پیامد و نتیجه	راهبرد	منبع
۱	امنیت سنج انساند شعاری ملی در راستای اجرای محکومیت های مالی و کیفری	۱) سلب حقوق مدنی و اجتماعی با استناد شعاری ملی در کنش قضایی و بخش اجرایی قضا ۲) مناسبات بین کنشگران قوه قضایی با طرفین دعوی	۱) استناد شعاری ملی به عنوان معنویت اجتماعی ۲) همگانی شدن استفاده از قانونی های قوی ۳) امنیت هویتی اجتماعی	۱) چالش های استناد شعاری ملی شامل نقض حقوق خصوصی و کیفیت امنیت اطلاعات افراد نقض اقتصاد عمومی سوق دادن فعالیت های اقتصادی و اجتماعی به راه های غیرشفاف نقض حقوق شخصیت (حق بر شخصیت) نقض حق قانونی برای صندوق سازی ۲) چالش های برای حیات مدنی و اجتماعی	۱) نقش مهم قانونی های قوی ۲) ایجاد محدودیت در برخی شاخه های خدمات اجتماعی مثلاً امور مالی افتتاح حساب های بانکی به حداقل استناد شعاری ملی به صورت کامل ۳) احیای مقررات افلاس و وصول حکم جبر برای بدهکاران با وضع محدودیت در نحوه پیگیری از سیستم بانکی، نقل و انتقال اموال	۱) صندوق سازی شعاری ملی به مثابه انجام مدنی محکومان عنوان شده است؛ چرا که حیات مدنی و اجتماعی این گروه از جامعه را مختل می کند ۲) ایجاد محدودیت در برخی شاخه های خدمات اجتماعی مثلاً امور مالی افتتاح حساب های بانکی به حداقل استناد شعاری ملی به صورت کامل ۳) احیای مقررات افلاس و وصول حکم جبر برای بدهکاران با وضع محدودیت در نحوه پیگیری از سیستم بانکی، نقل و انتقال اموال	مردمی و جغرافیایی و تاریخی (۱۴۰۴)
۲	طرح دعوی (اعصار از ناحیه محکومیت های مالی)	۱) حیل های دادرسی به واسطه دعوی اعصار از محکومیت ۲) مهلت گزین از اجرای تعهد با اثبات اعصار و تسهیل بدهی	۱) بی تعهدی و عدم وفای به عهد ۲) عدم صداقت در دعوی و واحد بودن اعصار ۳) مهلت های کتاب ۴) ویز تر ضایع از نتیجه داری و فرایند دادرسی ۵) وقوع رفتار متضاد	۱) احراف دادرسی ۲) ایزانگیری دعوی اعصار ۳) نحوه اثبات مالیت دین از جمله طلبکار و سازمان های پیش روی اعصار اعصار با سوگند مدیون و شهادت نامه ۴) عدم تخلیه خواص با انحلال و یکپارچه اداء طرف مدعی و سختی شایع از جنبه خوانده در قیام دعوی ۵) به تأخیر انداختن زمان اجرای حکم متناسب با شرایط ساختار پرونده ۶) فور از نایب این حیل دادرسی مثلاً «رایده ها» از جنب محکومیت های مالی ۷) دوشنبه شدن سازمان های ششایی اموال محکومین و تکنیک های آن ها	۱) ایزان به غیر و عدی یگاری آن ۲) بدیل شدن تشدید به هتاج ۳) اقامات متناسبات مالی و وقوع بی اعتمادی در روابط افراد جامعه ۴) تبدیل به ارزش شدن نحوه سوءاستفاده از خلا های قانونی و قضایی ۵) زرمول رفتن سلامت دادرسی و متناسب سازی آن ۶) صورت زمان رسیدگی روند از جنب قضی با هدف پیشگیری از آلودگی دادرسی و خنثی سازی حیل قضایی دعوی ۷) بازنگاری اختیاراتی در ادا بکار فعال حق قضات در فرایند دادرسی توسط دستگاه قضایی	اگرچه و حاکمی و اکره و همکاران (۱۴۰۲)	
۳	شرایط بازداشت بدهکار	۱) نقض مناسبات قانونی و قضایی در نحوه کنشگری بدهکاران مالی ۲) آثار تصمیم سازی های کلان قضایی و قضایی برای ساختار اجتماعی و فرهنگی مالی	۱) سوءاستفاده از قانون و فرایند دادرسی قضایی ۲) دوشنبه شدن نحوه سناسایی تکنیک های بدهکاران	۱) سوءاستفاده و دوشنبه شدن بدهکاران ۲) پنهان کردن اموال و یا نقل به غیر حیل های نامرئی و طرح از پیش تعیین شده ۳) مناسبات کنشگران از مناسبات اول این محکومیت و محکومیت با قضی اموال محکوم منابع نظامی (ایتر ساختاری و روش ۴) نقض حق و عدلیت از رویه دعوی ۵) حادث یکجمله و بی وفای از بدهکاران و سهولت کشی از دوشنبه جهت پنهان وین وین وین	۱) افزایش سویه های مختلف جرم ۲) اوسایل اخلاقی جامعه از نظر گزارش پیدا کردن به قلب و خصل ۳) تبدیل شدن حقوق مالی طلبکاران و می و می به تبعات نامی از آن تعرض ۴) سوزنی جملعه و لایا جوا اخلاقی و سادگی و اعتماد اجتماعی با نقض بازرسی و محکومیت و فرایند دادرسی	۱) اصلاح عنوان از نظر فرایندی و ساختاری ۲) بازنگری در انحلال و یکپارچه کردن منصفه و باعتدال در خصوص بدهکاران و طلبکاران	لسان و همکاران (۱۴۰۱)
۴	چگونگی ابعاد حسب برای محکومان مالی	۱) بخش قانونگذار به مامیت حسب ابعاد اثبات آن و تناسبات بین آن ها ۲) مناسبات بین مدعی اجرا با دائیز با تجویز حسب محکومیت متناسب با شرایط و رویکرد قانونگذار به حسب	۱) چالش های مرتبط با قضات صورت اموال ۲) کنشگری محکومیت در خصوص شناسایی، کشف و معرفی مال در جهت توقیف و اداء ق. ن. ا. م. ا. ر. کس و کنشگری قضا قضایی از نظر رویه عملی و انجام تحقیقات بسی و شناسایی اموال ۳) اهمیت معیار زمانی در طرح دعوی و مناسبات بین آن	۱) بازنگری در سازمان های اثبات اعصار یعنی در خود اظهاری خوانده و نیز باز اداء مالی یکسان ۲) آثار اجتماعی و فرهنگی نامی از استناد شهادت نمودن در اعصار و بازنگری و یکپارچه به موضوع جمع مطلق مدیون با جمع به پیش و اداء ثبت فصل خلاصه	علاوه (۱۳۹۸)		

۲- روش پژوهش

۲-۱- تحلیل مضمون

واکاوی سویه های محکومیت های مالی منجر به بازداشت با روش تحلیل محتوایی و مضمونی^۱ دنبال شده است؛ یکی از ابزارهای تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است؛ ابزاری مناسب و انعطاف پذیر برای روش های مختلف که به عنوان پیش نیاز تحلیل های اصلی و رایج کیفی محسوب می شود. از همین رو، برای دستیابی به دیدگاه ها و نظرات زندانیان محکوم مالی در خصوص محکومیت های مالی،

1. Content and Thematic Analysis

از شیوه تحلیل مضامین با کنکاش محتوای متنی مصاحبه‌ها بهره‌گیری لازم به‌عمل آمده است. تحلیل داده‌های کیفی به شیوه تحلیل مضامین براساس سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و کدگذاری فراگیر صورت گرفته است. برای دستیابی به دیدگاه‌ها و نظرات مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه، از شیوه تحلیل مضامین با کنکاش محتوای متنی مصاحبه‌ها بهره‌گیری لازم به‌عمل آمده است. شبکه مضامین براساس رویه مضامین اصلی (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مقولات حاصله از ترکیب و تلهخیص مضامین اصلی) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) طراحی و ارائه شده‌اند (عابدی‌جعفری، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

۲-۲- جامعه آماری و شیوه نمونه‌برداری

جامعه آماری پژوهش شامل محکومان مالی مرد زندان کجویی فردیس کرج در سال ۱۴۰۴ بوده است. شیوه نمونه‌گیری، غیراحتمالی و هدفمند بوده و مشارکت‌کنندگان پژوهش، ۱۳ نفر از محکومان مالی در زندان کجویی فردیس کرج بوده‌اند. شیوه گزینش نمونه‌ها، مبتنی بر درجه اشباع و نمونه‌گیری نظری، به‌ویژه متناسب با موضوع پژوهش شامل زندانیان محکوم مالی بوده است که در ربط با مسئله پژوهش بودند.

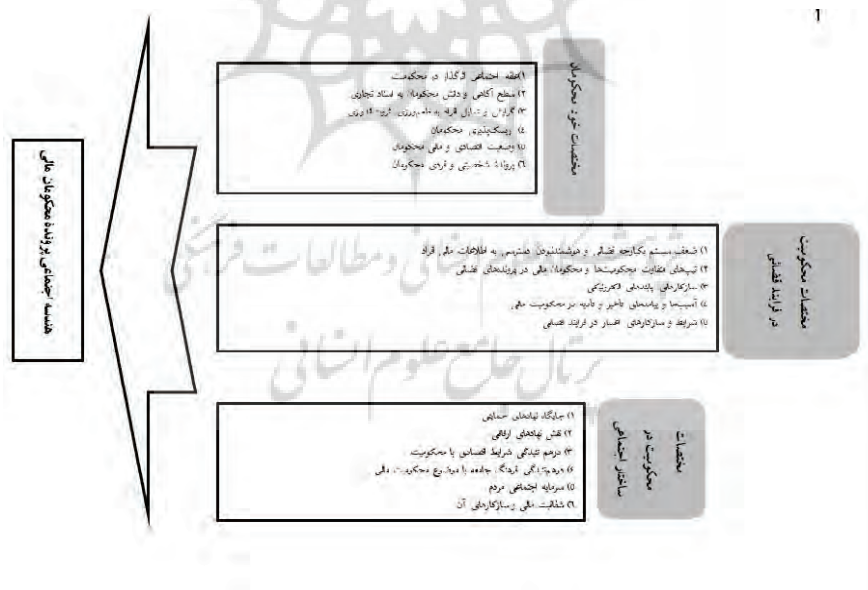
جدول شماره (۳): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محکومان مالی مرد زندان شهید کجویی فردیس کرج

مدت زمان حضور در زندان	وضعیت تأهل	تعداد فرزند	سن محکوم	درجه قرابت شاکی با محکوم	نوع بدهکاری	مصاحبه
۲ ماه	متاهل	۱	۳۴ سال	شوهر خواهر	چک	اول
۴ سال	متاهل	۲	۵۲ سال	دوست	بدهی مالی	دوم
۱۶ ماه	متاهل	۱	۵۵ سال	فامیل، دوست و آشنایان	چک و سفته	سوم
۴۵ روز	مجرد	-	۴۱ سال	آشنایی قدیمی پدر	چک	چهارم
۸ ماه	متاهل	۴	۵۶ سال	آشنای همشهری	بدهی مالی	پنجم
۶ ماه	مجرد	-	۳۳ سال	دوست و آشنا	سفته	ششم
۹ ماه	مطلقه	۱	۳۷ سال	همسر	مهریه	هفتم
۱ ماه	متاهل	۳	۴۰ سال	آشنای قدیمی	چک	هشتم
۶ روز	متاهل	۱	۴۷ سال	همسر	مهریه	نهم
۸ ماه	مطلقه	-	۳۵ سال	دوست	چک	دهم
۵ ماه	مجرد	-	۳۹ سال	غریبه	چک	یازدهم
۴ ماه	متاهل	۱	۴۸ سال	غریبه	چک	دوازدهم
۴ ماه	مجرد	-	۳۵ سال	غریبه	مالی قرارداد باغ	سیزدهم

منبع: یافته‌های پژوهش

۳- یافته‌ها

نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد که هندسه اجتماعی محکومیت‌های مالی منجر به بازداشت در خود محکومان شامل الف- مختصات خود محکومان (۱) علقه اجتماعی اثرگذار در محکومیت، (۲) سطح آگاهی و دانش محکومان به اسناد تجاری، (۳) گرایش و تمایل افراد به طعم ثروت‌اندوزی، (۴) ریسک‌پذیری محکومان، (۵) وضعیت اقتصادی و مالی محکومان و (۶) پرونده شخصیتی و فردی محکومان، ب- مختصات محکومیت در فرایند قضائی (۱) ضعف سیستم یکپارچه قضائی و هوشمند نبودن دسترسی به اطلاعات مالی افراد، (۲) تیپ‌های متفاوت محکومیت‌ها و محکومان مالی در پرونده‌های قضائی، (۳) سازکارهای پابندهای الکترونیکی، (۴) آسیب‌ها و پیامدهای تأخیر و تأدیه در محکومیت مالی و (۵) شرایط و سازکارهای اعسار در فرایند قضائی و مختصات محکومیت‌های منجر به بازداشت در ساختار اجتماعی (۱) جایگاه نهادهای حمایتی، (۲) نقش نهادهای ارفاقی، (۳) درهم‌تنیدگی شرایط اقتصادی با محکومیت، (۴) درهم‌تنیدگی فرهنگ جامعه با موضوع محکومیت مالی، (۵) سرمایه اجتماعی مردم و (۶) شفافیت مالی و سازکارهای آن) بوده است.



شکل (۲) شبکه مضامین هندسه اجتماعی پرونده محکومان مالی

شناخت مکانیسم هندسه زندگی اجتماعی پیش‌بینی‌کننده و تبیین‌گر رفتارهای زندگی اجتماعی در کردارهایی همچون رفتار حقوقی و سایر نظارت‌های اجتماعی در مکان و مسیر چندوجهی در فضای اجتماعی است؛ رفتار حقوقی در نظرگاه بلک همان هندسه حقوقی^۱ است و اصولاً در نظرگاه وی، تمام امور زندگی، هندسی است و مشتمل بر فواصل ارتباطی و فرهنگی طرفین پرونده در یک پرونده است و بر همین اساس، قانون تابعی از فاصله ارتباطی و فرهنگی است (Black, 2002: 668-669). بر همین اساس، حساسیت‌های تأملات جامعه‌شناختی با محوریت هندسه اجتماعی محکومان مالی نشان از این دارد که اعمال قانون در یک دعوی، متأثر از شرایط محیطی و ساختار اجتماعی پرونده از نظر تأثیرگذاری عوامل فرهنگی، همبستگی و ادغام در فعالیت‌های اجتماعی و درجه قربت و تعامل میان افراد یا درجه رابطه میان آن‌ها و به نوعی سطح مناسبات و پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه است. از طرفی در منطق جامعه‌شناسی پرونده قضائی، یکی از عوامل اثرگذار در فرایند رسیدگی قضائی، علقه‌های اجتماعی میان طرفین دعوی است که بر نگرش مقام قضائی و تصمیمات آن در تعیین میزان و نوع مجازات در یک پرونده اثرگذار است. چنین امری در قالب اهمیت نظریه هندسه اجتماعی پرونده قضائی یا نسبی بودن قانون قابل واریسی است به این مفهوم که، نسبت قانون یا تأثیر ساختار اجتماعی پرونده قضائی بر فرایند رسیدگی، تنها یک کشف علمی نیست، بلکه واجد آثار اخلاقی و عملی نیز هست به عنوان مثال، براساس این تئوری، احتمال دادرسی جامعه‌شناختی و تحقق سازشگری اجتماعی و اعمال آگاهانه نسبت قانون در رویه حقوقی و قضائی مطرح است؛ لذا مطابق با هندسه اجتماعی پرونده مانند فاصله فرهنگی و ارتباطی میان شاکی و متهم و موقعیت و رتبه اجتماعی هر یک از طرفین اصحاب دعوی، امکانات وقوع سازش و یا گذشت میسر است (امینی، ۱۳۹۸: ۳۷۷-۳۸۰).

به تعبیری دقیق‌تر، واکاوی هندسه اجتماعی محکومان مالی حکایت از این دارد که طرفین دعوی دارای مناسبات خانوادگی، فامیلی و روابط سببی و نسبی با هم داشته و حداقلی از شناخت نسبی را در قبال هم داشته‌اند. حال پرسش در ربط با هندسه اجتماعی محکومیت‌های مالی منجر به بازداشت در پرتو دینامیسم مرتبط با آرامش روانی جامعه و تثبیت نفع عمومی این است که چگونه ممکن است داماد، دوست، خواهر، همسر، همشهری، آشنای قدیمی و جدید و به نوعی فامیل نسبی و سببی، رفتار حقوقی این‌چنینی را داشته باشند؟ بلک (۱۹۸۹) در عدالت جامعه‌شناختی^۲ با برجسته‌سازی خواست‌های اجتماعی، پیوند بین فرهنگ حقوقی متأثر از نیروهای اجتماعی را در جامعه متذکر شده و

1. The Geometry of Law

2. Sociological Justice

معتقد است اعمال قانون در فرایندهای قضائی مبتنی بر فرایندی اجتماعی است؛ چراکه متمرکز شدن روی هندسه اجتماعی پرونده‌های قضائی این را نمایان می‌سازد که تحقق عدالت ناشی از درجات صمیمیت بین اصحاب دعوی و فواصل اجتماعی و فرهنگی در بین طرفین دعوی را مسئله‌مند می‌شود. براساس چنین مسیر اجتماعی در پرونده‌های مالی، وجود علقه‌های اجتماعی از این سنخ حکایت از شکل‌دهی به رفتار حقوقی و قضائی افراد از نظر پذیرش ریسک و داشتن اطلاع کافی از معاملات و عواقب آن، مهندسی کردن ترفندهای حقوقی به صورت عدم وفای به عهد، اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مکر و حيله و دروغ‌گویی، جایگاه نقشی دوستان و آشنایان در شکل‌گیری محکومیت مالی ناشی از بافتار فرهنگی سطح اعتماد بین افراد فامیل درجه یک و دو و درجات متفاوت قرابت اجتماعی به همراه تلاش نکردن برای مشورت‌گیری با افراد متخصص ناشی از اعتمادکردن به نزدیکان و دوستان به‌رغم نبود یا ضعف آگاهی از تبعات حقوقی و قضائی اسناد تجاری، فرهنگ تشخیص‌سازی و ارتقای پرستیژ اجتماعی به واسطه ایجاد بدهی و تمایل به گرفتن پول نزول و بهره و شرایط اقتصادی کشور از نظر تورم، مقرون به صرفه بودن زندان و سودزایی آن در محکومیت مالی و بهره‌گرفتن از مکانیسم‌های حقوقی کشور برای فرار از دین باعث شده است تا نظم خانواده و جامعه با فروپاشی سرمایه اجتماعی مواجه شده و نظم جدیدی در معاملات اقتصادی بین کسبه و بازاریان شکل بگیرد که نمود جدیدی از رفتار اجتماعی در نسبت با محکومیت مالی مهریه، دادخواست اعسار، معاملات مبتنی بر اسناد تجاری و غیره بازآرایی شود. چنین امری در بروز اغتشاش هنجاری، مسئله‌مندشدن مسئولیت حقوقی و قضائی افراد در معاملات اقتصادی و چالش‌زایی برای حقوق عمومی و فردی، اعتمادسازی بین افراد در کسب‌وکارها و به‌هم خوردن امنیت روانی جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند.

۴- نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های مهم هنجار اجتماعی و قاعده‌مندی رفتارهای عناصر اجتماعی به موضوع تراکم اخلاقی برمی‌گردد؛ هرچقدر روابط اجتماعی، گرم‌تر، صمیمی‌تر، روراست‌تر، بی‌ریا‌تر، به همان اندازه نیز، انرژی عاطفی‌ای که هنجار اجتماعی را تقویت کند، زمینه‌ساز تقویت دلبستگی اجتماعی بین افراد جامعه و سرانجام آن بالارفتن سطح امنیت روانی می‌شود. بنابراین، همبستگی بین وابستگی عاطفی بین افراد جامعه، عاملی در جهت شکل‌گیری تعهد به‌عنوان عنصر تشکیل‌دهنده هنجار اجتماعی است و همین امر نیز به‌عنوان الزام اخلاقی، این قدرت را دارد که فرد در پیروی از هنجار اجتماعی، به نوعی احساس دلبستگی و تعهد به جمع و دیگران می‌کند و براساس این احساس، خود را مکلف به اجرای هنجار (مثلاً پرداخت دین) می‌بیند (چلبی، ۱۳۹۷: ۳۹-۴۷).

براساس چنین رویکردی در روابط اجتماعی بین افراد [در سطح یک نظام اجتماعی^۱]، جامعه می‌تواند در هر مقطع زمانی در یکی از فازهای چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در احیای حقوق عامه نقش آفرینی داشته باشد. بر همین اساس، امکان ترسیم وجه تحلیلی ریشه‌یابی اختلال و بی‌قاعدگی در پرداخت دین بین محکومان مالی خاصه در مناسبات بین بدهکاران و بستانکاران، متناظر با این چهار بُعد^۲ وجود دارد.

A) در حوزه اقتصادی، چهره شخص کنش‌گر به صورت انسان اقتصادی است و در معادلات ارتباطی بین بدهکار (مدیون) و بستانکار (داین) به عنوان طرفین پرونده می‌تواند در نسبت با درجه انتفاع اصحاب دعوی، واجد کارکرد مهمی در مناسبات اجتماعی و یا معضله‌دارکردن خیر مشترک بین افراد دخیل در معامله یا یک کسب‌وکار باشد؛

G) در بخش سیاسی، با انسان سیاسی رویارو هستیم که روابطها حول محور کنش عاطفی به صورت آرامش و امنیت در روابط بین بدهکار در قبال طلبکار می‌باشد، افراد در معاملات روزمره، به آرامش، ایمنی و طیب‌خاطر در تعاملات مبتنی بر مقوله داین و مدیون فکر می‌کنند که نمود آن در فرازونشیب امنیت روانی جامعه به عنوان یکی از مصادیق احیای حقوق عامه قابل واریسی است؛

I) در بخش اجتماعی با یک انسان اجتماعی روبه‌رو هستیم که مضمون رابطه دوستانه- معاشرتی، شکل رابطه گرم و براساس رعایت علائق اجتماعی، انتظارات، خواسته‌های کنش‌گران و نیز منافع آن‌ها می‌باشد چنین رابطه‌ای از جانب بدهکار در شرایط زمانه، متناسب با درجه دلبسته‌شدن فرد و تعهد وی در پرداخت دین به طلبکار نمود دارد؛ چنین امری در بالا و پایین رفتن میزان اعتماد عمومی در معاملات و مناسبات اقتصادی و تضعیف و تقویت سرمایه اجتماعی جایگاه مهمی دارد که در انتظارات عمومی و ضرورت‌های اجتماعی وجود سطحی از اعتماد در انجام معاملات مبتنی بر اسناد تجاری مستتر است؛

L) در بخش فرهنگی، با چهره انسان‌شناختی- فرهنگی مواجه هستیم که مضمون رابطه به صورت تربیتی-گفتمانی، کنش معطوف به ارزش و به صورت مجاب‌شدن فرد بدهکار به ادای دین است (چلبی، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۴).

مطابق با چنین رهیافتی، الزامات اجتماعی و فرهنگی جامعه در قبال محکومان مالی با سنخ‌های مختلف آن در پیوند با چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به این صورت ترسیم شود:

۱. نظام اجتماعی کلی است که دارای یگانگی و یکپارچگی می‌باشد، یعنی کل مجموعه‌ای است که همه واحدها و عناصر ساختی و اجزاء مختلف آن با یکدیگر تناسب و سازگاری دارند.

۲. مدل آجیل (AGIL) پارسونز نیز با تمرکز روی مسئله نظم اجتماعی، تلاش دارد در چهار شکل کارکردی انطباق با محیط یا اصل تطابق (Adaptation)، دستیابی به هدف (Goal Attainment)، انسجام (Integration)، و حفظ انگاره‌های فرهنگی (Latency) انتظام اجتماعی را برای هر نظام اجتماعی تبیین کند (چلبی، ۱۳۹۱: ۱۴).

- ✓ باور و طرز تلقی مردم نسبت به موضوع ادای دین و پرداخت بدهی به طلبکار، ناشی از احساس وظیفه و تکلیف در قبال موضوع دین، برحق بودن سازکار ادای وظیفه در قبال این تعهد در موعد مقرر و احساس رضایت درخصوص تعامل شکل گرفته بین طرفین، به درجه دل بستگی مردم و کیفیت دل بسته شدن با صبغه عاطفی به دور از دروغ گویی، فقدان صداقت و عدم پابندی به قول و قرار متکی است.
- ✓ در حوزه فرهنگی، افراد جامعه متناسب با میزان مجاب شدنشان به انجام کاری که آن را درست و منطقی تلقی می کنند باعث می شود تا انجام چنین کاری به وظیفه خود دانسته و اطاعت از آن قاعده یا هنجار را به عنوان یک وظیفه در نظر بگیرند.
- ✓ در حوزه اقتصادی نیز افراد جامعه با محاسبه و تحلیل هزینه و فایده، در صورتی که احساس کنند که درجه انتفاع آن ها (نفع فردی و جمعی) در مناسبات شکل گرفته (شکل گیری دین بین افراد) از نظر زمانی و آینده نگری بالاتر باشد تحریک افراد جامعه به پیروی از آن، بالاتر خواهد بود.
- ✓ در حوزه سیاسی نیز، اگر آرامش طرفین دعوی (بدهکار و بستانکار) به گونه ای تأمین شود که افراد احساس امنیت بکنند مقبولیت تصمیم در نزد آن ها نسبت به موضوع ادای دین بالاتر خواهد رفت.



شکل (۳): تجزیه ارتقای سطح تمایل محکومان مالی به پرداخت دین

در چنین معادله‌ای در حوزه‌های آرامش-انتفاع-مجاب‌شدن و دلبستگی، هندسه رفتار حقوقی افراد در بین محکومان مالی به این صورت قابل رصد بوده است:

✓ در حوزه اقتصادی، با افراد محکوم مالی روبه‌رو هستیم که طمع پولدارشدن ناشی از نوسانات بازار، تمایلات حریص و حيله‌گرانه در معاملات مالی، نگرش حساب‌گرانه در انجام معامله، انجام معاملات مالی بدون وجود پشتوانه مالی و با بهره‌گیری از قدرت کاذب من می‌توانم! در شاکله الگوی رفتاری محکومان مالی وجود دارد.

✓ در حوزه فرهنگی، با یک انسانی روبه‌رو هستیم که در بستر فضای فرهنگی سوءاستفاده از اعتماد و خیانت در امانت، یادگیری خود را تقویت کرده و از اهرم‌های اجتماعی زرنگ‌بازی درآوردن و دروغ‌سره‌م‌کردن، با ایجاد بدهی، در صدد متمایزسازی خود از دیگران (افراد فامیل، نزدیکان، دوستان، و شبکه ارتباطی خود) بوده و این همان فرهنگ تشخیص‌سازی به‌واسطه ظرفیت‌های فرهنگی منفی شکل‌گرفته در جامعه بوده است.

تحلیل روند صداقت و راست‌گویی در بین ایرانیان طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ میزان ۳۷/۵ درصد (وضعیت متوسط تمایل به دروغ‌گویی) تا ۶۶/۴ درصد، نشان از روند رشد افزایشی تمایل به دروغ‌گویی در بین ایرانیان دارد. به تعبیری، در نزد پاسخ‌گویان وجود صفت راست‌گویی در بین مردم ایران رو به تنزل گذاشته و این روند گویای تشدید تمایل به دروغ‌گویی در بین ایرانیان است. همچنین، مقایسه یافته‌های پیمایش‌های ملی نشان داد رواج دروغ‌گویی در بین مردم با میزان بالایی از سال ۱۳۹۳ (۶۷ درصد زیاد) تا سال ۱۴۰۲ (۸۱ درصد زیاد) روندی صعودی داشته است. همچنین در موج چهارم، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۴۰۲)، بیشتر پاسخ‌گویان معتقد هستند دروغ‌گویی، تقلب و کلاهبرداری، تبلی، دورویی و تظاهر بین مردم ایران رواج بیشتری پیدا کرده است. متناسب با چنین روندی از وضعیت اخلاقی جامعه، فرار از دین با اقسام ترفندها نظیر انتقال اموال به قصد فرار از دین از طریق معامله صوری^۱ یا واقعی با سنخ‌های رفتاری مختلف نظیر انتقال اموال به بستگان و اطرافیان برای از دسترس خارج کردن اموال، انجام معاملات به‌صورت وکالتی و داشتن حساب‌های بانکی وکالتی و معسر جلوه‌دادن خود، طرح دعوای واهی اعسار از پرداخت محکوم^۲ به (مدیحی طامه، ۱۴۰۱: ۱۸۲) و نیز ارزیابی سودوزیان و محاسبه‌گری در مناسبات اقتصادی بین افراد جامعه بعد از خلق دین بین داین و مدیون و تمایلات فردمحور مدیون ناشی از خصلت طمع‌ورزی به‌منظور عدم ادای دین و خودداری از تأدیه دین (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۵) و نظایر آن می‌تواند در بستر اجتماعی و فرهنگی ایرانیان و نحوه هویت‌یابی آن‌ها حائز اهمیت باشد.

۱. معامله‌ای که طرفین قصد جدی برای ایجاد آثار حقوقی آن معامله را ندارند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۶۶۶).

- ✓ در حوزه سیاسی، ایجاد اختلال در امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه و برهم خوردن امنیت روانی جامعه از جانب محکومان مالی شکل می‌گیرد.
- ✓ در حوزه اجتماعی نیز با محکومانی روبه‌رو هستیم که شبکه فامیلی، نسبی و سببی آن‌ها از طرفین دعوی هستند و یا به نوعی عامل اصلی بروز چنین دعوایی هستند و این همان مخدوش شدن اعتماد آتی، فروپاشی خانواده و شبکه فامیلی، بروز اختلافات و عدم سازش با نمود شکل‌گیری روحیات انتقام‌جویی است.

۴-۱- بایسته‌های اجتماعی و فرهنگی آینده‌محور

مطابق با منشأ محکومیت‌های مالی که می‌تواند ناشی از نقض تعهدات مالی قراردادی (نقعه، مهریه و اجرت‌المثل ایام زناشویی از جمله تعهدات مالی زوج پس از قبول عقد ازدواج است که عدم ایفای آن به‌ویژه اگر توجیه حقوقی مناسب نداشته باشد در زمره تعهدات مالی ناشی از قرارداد در موضوعات خانوادگی است) و یا غیرقراردادی (ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم سرقت، توهین، تهدید، نشر اکاذیب و کلاهبرداری) باشد (مدیحی طامه، ۱۴۰۱: ۱۷۵)، «به تناسب قاعده لاضرر، احکامی که موجبات ضرر و ضرار باشد، وجود ندارد به تعبیری، خداوند راضی به ضرر بندگان نیست، چه آن ضرر از جانب خدا باشد یا از جانب انسان‌ها به هم» (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۱) با اتخاذ رویکرد حل مسئله و به نوعی عملیاتی‌سازی دادگاه‌های حل مسئله در کشور با رویکرد عدالت مشارکتی و با هدف رفع مشکلات زیربنایی طرفین پرونده و نیز مسائل اجتماعی جامعه محلی (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۱) در راستای احیای حقوق عامه و ارتقای سطح ایمنی و امنیت روانی جامعه در امر اقتصادی و کسب‌وکارها پیشنهادهایی به شرح زیر در چارچوب هندسه اجتماعی پرونده زندانیان محکوم مالی ارائه می‌گردد:

۱. بهره‌گیری از سازکارهای عدالت ترمیمی در جهت پاسخ‌دهی به بزه‌کاران مالی و اقتصادی و جبران خسارت از طریق ظرفیت‌های تقنینی و رویه‌های ترمیمی ناظر به جرایم محکومان مالی در قلمرو سیاست جنایی کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مداخله‌ای و میانجیگری انجمن‌ها، اصناف، اتحادیه‌ها و نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت نهاد تخصصی در مرحله اجرای حکم به‌عنوان یک ابداع قانونی و در راستای ترمیم و پرکردن خلأ نهادی اجراء، پیگیری و رسیدگی پرونده از جهت فرایندی-ساختاری.

۲. برون‌سپاری و خصوصی‌سازی اجرای احکام با هدف مدیریت قضائی در مرحله نهایی فرایند رسیدگی و مدیریت ورودی زندان متناسب با درجه علقه اجتماعی طرفین دعوی و هندسه اجتماعی پرونده‌ها.

۳. از نظر ساختاری، ترمیم و بازنگری در شیوه‌های اجرای محکومیت مالی و نظامات کیفری در ارتباط با سلب آزادی افراد.
۴. از نظر فرایندی با لحاظ ساختار اجتماعی پرونده محکومان مالی، ارتقای سطح نظارتی قاضی اجرای حکم، رویکرد حل مسئله قاضی و خلاقیت منصفانه وی در رفع موانع صوری و ساختگی جریان دادرسی، شاخص‌سازی اعسار و ضریب تعیینی برای شخص معسر متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی و فضای روانی جامعه، رفع چالش‌های قانونی و قضائی مبتنی بر دوگانه‌سازی «اظهار اعسار» - «ادعای اعسار» در مناسبات بین بدهکار و طلبکار، مدیریت زمان رسیدگی پرونده از جانب قاضی با هدف پیشگیری از اطاله دادرسی و خنثی‌سازی حيله اصحاب دعوی.
۵. بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه در جهت استقرار تفکر حبس‌زدایی و ضمانت اجرای حبس محکومین در قوانین کشور با اعسار و دیگر موارد مرتبط با موضوع محکومیت‌های مالی.
۶. بازنگری رویکردی و سیاستی در خصوص هزینه‌های ناشی از قرار بازداشت محکومان مالی در راستای تأدیه دین و استیفای حق داین/طلبکار و ابعاد پیامدی آن در سطوح کلان-میانی-خرد:
 - ۱-۶. در سطح کلان، هزینه‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از حبس نیروی مولد و فعال جامعه؛
 - ۲-۶. در سطح میانی، هزینه نگهداری محکوم‌علیه در زندان و پیامدهای آن برای نهاد قضائی کشور، آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن برای خانواده و مشکلات و تنگناهای معیشتی برای این نهاد؛
 - ۳-۶. در سطح خرد، آثار روحی و روانی و تبعات ناشی از مجاورت زندانیان و عادی‌شدن حبس، زیرسؤال‌رفتن حیثیت اجتماعی زندانی و خانواده وی و طر اجتماعی وی.
۷. موضوع شفافیت مالی و اعتباریابی افراد به لحاظ مالی در بستر فناوری و فرهنگ‌سازی آن در سطوح مختلف سازمانی، اداری و جامعه هدف.

منابع

- آذربایجانی، علیرضا و فروزان بروجنی، فرناز (۱۳۹۷). «نوآوری‌های قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ در دعوای اعسار محکوم‌علیه»، نشریه حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۰۳)، ۱۱-۳۲.
- اسدی، لیلا (۱۳۸۱). «آیا بدهکار، مجرم است؟!»، فقه و حقوق خانواده، ۲۶ و ۲۷، ۳۴-۷۰.
- اکرمی، زهرا و حاتمی، علی‌اصغر (۱۳۹۹). «اعسار از محکوم به و انحراف دادرسی در آینه قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴؛ با تکیه بر رویه قضائی»، نشریه مطالعات حقوقی، ۱۲ (۲)، ۵۹-۱۰۰.
- اکرمی، زهرا، حاتمی، علی‌اصغر و پاشازاده، حسن (۱۴۰۲). «موانع و حیل‌های دادرسی در اجرای ارادی محکومیت‌های مالی (با تأکید بر نظریه سوءاستفاده از حق و رویه قضائی)»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۴ (۳۲)، ۳۳-۶۳.
- إلسان، مصطفی، منوچهری، محمدرضا و مظلومی، سجاد (۱۴۰۱). «شرایط و استثنای بازداشت بدهکار در اجرای محکومیت‌های مالی»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۶ (۱۲۰)، ۴۹-۷۱.
- ایبسی‌زواره، احسان، اشرافی‌مهابادی، محمود و حیدری، مسعود (۱۴۰۳). «سازوکارهای حقوقی و اجرایی در پیشگیری از حبس ناشی از محکومیت مالی در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۸ (۱۰۳)، ۴۷-۷۶.
- امینی، محبوبه (۱۳۹۸)، «واکاوی رابطه همبستگی بین علقه‌های اجتماعی میان بزه‌کار و بزه‌دیده و تعیین مجازات عمومی در پرونده‌های قتل عمدی (مطالعه موردی پرونده‌های قتل عمدی مطرح در دادگستری استان فارس طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲)»، در دایره المعارف علوم جنائی: مجموعه مقاله‌های تازه علوم جنائی، کتاب چهارم، تهران: نشر میزان.
- امینی، محبوبه (۱۴۰۴). «سازوکارهای پویای اعمال قانون در بسترهای متفاوت اجتماعی: بازخوانی نظریه هندسه اجتماعی حقوق»، فصلنامه تداوم و تغییر اجتماعی، زیر چاپ.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- چلبی، آزاده (۱۳۹۷). فساد و مقبولیت قانون از منظر جامعه‌شناسی حقوق، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۳). تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- سرمدی، پگاه و جعفری‌خسروآبادی، نصراله (۱۴۰۴). «مسدودسازی شماره ملی اشخاص در راستای اجرای محکومیت‌های مالی و کیفری؛ اقدامی قانونی یا اعدامی مدنی؟»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۶ (۱)، ۱۷۳-۲۰۰.
- عزیزی، علی، فرجیها، محمد، صابر، محمود، موسوی‌مجاب، سیددرد (۱۳۹۸). «اصول حاکم بر دادگاه‌های حل مسئله در پرتو مطالعات تطبیقی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۳ (۴)، ۹۱-۱۲۶.
- علیزاده، امیرحسین (۱۳۹۸). «تحلیل و نقد ماهیت حبس، اعسار و آیین حاکم بر آن‌ها با نگرشی بر قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۳ (۱۰۸)، ۱۶۳-۱۸۷.

- فرهادی، علی، جمشیدی، علیرضا و نجفی‌توانا، علی (۱۴۰۲). «اجرای حبس در سایه نظام زندانبانی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۲(۵۶)، ۴۹۱-۴۶۵.
- قجاوند، محسن و شیرزاد، امید (۱۳۹۹). «تحلیل کاربردی عناصر متشکله بزه معامله به قصد فرار از دین در قانون و رویه قضائی ایران»، پژوهش حقوق کیفری، ۸(۳۰)، ۱۷۱-۱۴۳.
- متین‌راسخ، مجید، مطلبی، مهدی، حاتمی، آرین و تات، سمانه (۱۴۰۴). گزارش سیاستی محکومیت‌های مالی منجر به بازداشت، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.
- مدیحی‌طامه، مهدی (۱۴۰۱). «نقد رویکرد تقنینی ایران در تعیین کیفر حبس برای مدیون مالی»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۵(۹)، ۱۷۴-۱۸۹.
- معدنی‌پور، مجید (۱۳۹۸). ماهیت حقوقی حبس در اعمال قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، استاد راهنما: دکتر بهرام تقی‌پور، تهران: پردیس دانشگاه خوارزمی.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: تهران.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: تهران.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۴). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: تهران.
- پیمایش ملی سرمایه اجتماعی کشور (۱۴۰۲). سنجش سرمایه اجتماعی کشور، گزارش کشوری، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: تهران.
- Black, D. (1989). **Sociological Justice**. New York: Oxford University Press.
- Black, D. (2002). Pure sociology and the geometry of discovery. *Contemporary Sociology*, 31(6), 668-674.
- Lally, W. E. (2014). **The application of social geometry concerning the administration of justice in cases of assault**. Bowling Green State University.
- Pleggenkuhle, B. (2018). The financial cost of a criminal conviction: Context and consequences. *Criminal Justice and Behavior*, 45(1), 121-145.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مدل سازی محاسباتی استنباط و تفسیر حقوقی مبتنی بر هوش مصنوعی

زهرارضایی*، نرگس فرزانه کندری**

چکیده

مدل سازی محاسباتی استنباط منطقی در حقوق به معنای به کارگیری روش ها و الگوریتم های رایانه ای برای تحلیل، تفسیر و استخراج نتایج منطقی از داده ها و متون حقوقی است. این رویکرد بر پایه اصول منطق صوری و قواعد استنتاج بنا شده و از رایانه به عنوان ابزاری توانمند برای اجرای فرایندهای تحلیلی و استدلالی بهره می گیرد. در نظام حقوقی، پیچیدگی و انبوه داده های قانونی، اعم از قوانین، آیین نامه ها و رویه های قضائی، ضرورت بهره گیری از این مدل ها را دوچندان کرده است. به کارگیری مدل های محاسباتی در استدلال حقوقی، امکان پردازش نظام مند و ارزیابی منطقی قواعد را فراهم می سازد و به استخراج روابط حقوقی و مفاهیم کلیدی از متون قانونی یاری می رساند. قضات، وکلا و پژوهشگران حقوقی می توانند از این ابزارها برای ارزیابی انطباق قوانین با موضوعات خاص، شناسایی سوابق قضائی مشابه، و پیش بینی نتایج محتمل بر مبنای شواهد موجود بهره مند شوند؛ اتوماسیون فرایند استدلال منطقی در حقوق، نه تنها موجب تسریع در تحقیقات و تحلیل های قضائی می شود، بلکه به افزایش انسجام در استدلال های حقوقی و کاهش خطاهای انسانی نیز کمک می کند. افزون بر این، مدل های محاسباتی قادرند تعارضات و ناسازگاری های احتمالی در متون قانونی را شناسایی کرده و زمینه را برای تدوین و اصلاح چارچوب های حقوقی منسجم تر و کارآمدتر فراهم سازند. بدین ترتیب، مدل سازی محاسباتی استنباط حقوقی را می توان ابزاری نوین در خدمت عدالت دانست که با اتکا بر فناوری های هوش مصنوعی، ظرفیت نظام حقوقی در تحلیل و تفسیر قوانین را به نحو چشمگیری ارتقا می دهد.

واژگان کلیدی: استنباط و استنتاج حقوقی، هوش مصنوعی، استنتاج قوانین، تفسیر قانون، متن کاوی.

*. rezaei@jri.ac.ir

*. استادیار، گروه آینده پژوهی قضایی، پژوهشکده قوه قضائیه، تهران، ایران

**. استادیار، گروه مدیریت عملیات و فناوری اطلاعات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

nfk.farzaneh@atu.ac.ir